

راهپیمایی روز قدس و «سرمایه‌گذاری در تولید»
قدرت سیاسی مسلمین

معنای راهپیمایی روز قدس

۱- بگذارید همین ابتدا از یک مثال فرهنگی آغاز کنم.



«آکادمی علوم انسانی
و اجتماعی بریتانیا، زبان
انگلیسی را یکی از
مهم‌ترین دارایی‌های این

شور در عرصه قدرت نرم معرفی کرده به طوری که زبان انگلیسی به نوعی نشان (Brand) بریتانیا شده است. هم‌اکنون زبان انگلیسی، زبان اصلی حدود ۴۲۷ میلیون نفر در سراسر جهان است و علاوه بر این، حدود ۱۵۰ میلیون نفر در جهان نیز زبان این زبان را به عنوان زبان دوم خود استفاده می‌کنند و زبان رسمی واردات میان اکثر کشورها نیز زبان انگلیسی است. بیش از ۷۵ درصد درآمد معاملات شورای فرهنگی و برگزاری آزمون‌های زبان و اعطای‌های شراکتی و قراردادهای مناقصه‌ای حاصل می‌شود.

این اطلاعات و اطلاعات دیگر همگی نشان می‌دهد کشورهای انگلیسی‌زبان بویژه انگلستان و ایالات متحده آمریکا درآمد بسیار بالایی از گسترش زبان انگلیسی کسب می‌کنند اما سوال اصلی این است: چرا برغم این حجم بالای هزینه، این حجم افراد جامعه جهانی برای آموزش زبان انگلیسی هزینه می‌کنند؟

یاسخ روش است؛ چون امور مختلف زندگی
سپاهار در کره خاک، از کسب علم دانشگاه تا
بسیاروار تا اوقات فراغت و... به زبان انگلیسی
تیره خورده است. این گروه خوردن نیز تابعی از
برمایه‌گذاری کشورهای مادر زبان انگلیسی
در تولید «مغنا» و کالاهای فرهنگی به زبان
انگلیسی است. ترجمه آثار فرهنگی دنیا به زبان
انگلیسی، ایجاد دقت‌های زبانی در آموزش،
ایزده المعارفها و نظایر آنها همگی زبان انگلیسی
تبدیل به زبان مرجع دنیا کرده و نتیجه آن
برمایه‌گذاری، امروز باعث این درآمد کلان شده
است.

این مثال را از این جهت نزد که توجه مخاطب به زبان انگلیسی جلب کنم، بلکه این مثال و البته مثال‌های دیگر نشان می‌دهد سرمایه‌گذاری در تولید عوامل مهم‌ترین پشتوانه مالی و پولی یک کشور، صرفاً شامل تولید کالاهای معیشتی و مادی نمی‌شود، بلکه تولید فرهنگ و سیاسی نیز باعث افزایش ثروت یک کشور خواهد شد. اگر ارزش پول هر کشور را با معیار تولید ناخالص داخلی آن کشور بدانیم، این تولید ناخالصی مجموعه‌ای از تولیدات یک کشور یا یک قلمرو سیاسی است. افزایش این تولیدات و درایی‌هاست که ارزش پول آن کشور را در بازار جهانی بالا می‌برد.

۱- تولید معنا، عنصر محوری تولید فرهنگی است برخلاف تصور اولیه، بقای کالای معنایی، بیش از محصول آن است. تولید تاملی در آثار معماری خوبیوشی نشان می‌دهد آنچه حقیقتاً یک ساختمان را برای نرزن‌ها حفظ می‌کند، استحکام مصالح آن نیست، بلکه معنایی است که آن ساختمان در جهان سکنه ایجاد کرده است. اگر ساختمانی مانند مسجد فوهرشاد با برج ایفل، با معنای حیات انسانی گره بخورد، سازه‌های مادی آن دالما تعمیر می‌شود و آن ساختمان بقا می‌یابد. بنابراین حداقل از حیث بقا و دوام، تولید حقیقی، تولید معنایی است. برخاسته از آن اهمیت می‌تولد

۱- راهپیمایی مردم در مناسبت‌های مختلف از جمله روز قدس، با نمادهای و شعارهای کمابیش پایدار، معنایی را تولید می‌کند که بقای اسلام را پایداری آن به این تولید معنا گره خورده است. این تولید معنا، یکی از داری‌ها یا تولیدات ناخالص اخلاقی جهان اسلام است که اهمیت آن، چون با عالم معنا گره خورده، حساسیت بیش از تولید کالای مادی می‌تواند پیشرفته کشورهای جهان اسلام باشد. این حال شاید در نظر اول، این شکل از تولید جزو داری‌ها و ملت‌های تولیدکننده آن لحاظ نشود. اما این غریب از ذهن، ناشی از غلبه نگاه مادی ما نیست.

کافی است قدری افق دیدمان را بلندتر قرار دهیم. بر آینده جهان اسلام، آیا ملت‌ها و کشورهایی که بر تولید معنای حمایت از ملت‌ها و فلسطین شریف و مایه‌گذاری معنایی کرده‌اند، نقش بیشتری در تمدن نوین اسلامی خواهند داشت یا ملت‌هایی که تولید را منحصر به کالای مادی کرده‌اند؟ تولید معنای اگرچه در دیرتر به چشم می‌آید و با ابزارهای پیشرفته‌تر و قایل محاسبه است اما دوام و بقای بیشتری دارد. قلیل کافی است به این جهت کنیم که تحقق تمدن نوین اسلامی در آینده، آیا بدون فلسطین و مساجدا لاقمی ممکن است؟ و با تحقق تمدن نوین اسلامی، قدس شریف چه جایگاهی فی‌عین خواهد داشت؟ آیا یکی از مقاصد زیارتی مسلمانان سراسر جهان نخواهد بود؟ چه حجم از سفر به این سرزمین رقم خواهد خورد؟ چه حجم از تولیدات کالاهای مادی برای تأمین نیازهای تمدن نوین حجام از مسافران معطلوب به قدس شریف خواهد شد؟

از این منظر، مشارکت در راهپیمایی با حمایت و قدس، سرمایه‌گذاری در تولید ملی ایران و تحت جهان اسلام برای آینده تمدن نوین اسلامی است. سرمایه‌گذاری که اگرچه در ساخت تولید معنایی اما دوام و بقای آن به مراتب بیش از سرمایه‌گذاری در هر تولید مادی خواهد بود.

رد و برای پاسخ به مسائل آن، چه امکان‌هایی پیش
موضوع با حجت‌الاسلام ابوالحسن حسنی، محقق و
گفت‌وگو نشستیم.

چه می‌گوید و این برای ما تهدید است. گاهی وقت‌ها ما این ارزش‌ها را اصلاً به زبانی به دنیا ارائه می‌دهیم که خودمان نمی‌دانیم چه زبانی است. پیدایش فضای مجازی به نفع ما است و به نفع الحاد و فساد نیست. ■ بر اساس برخی برداشتهای پیدایش و گسترش فضای مجازی منجر به ازدیاد گناهان و انحرافات و از میان آنها فحشا و فساد می‌شود؛ این برداشتهای را چطور ارزیابی می‌کنید؟

تصور شما و خیلی از جوان‌ها که گذشته را ندیدند این است که انگار که اول و آخر فسادها این است. من می‌دانم که معلوم شود در دنیای قبل از فضای مجازی آیا این فساد را داشتیم یا نه داشته‌ایم. اشاره‌ای به تاریخ معاصر ایران کنم. تاریخ معاصر ایران از دوره صفویه شروع می‌شود. از این دوره است که ایران با هویت مستقل ایران مطرح می‌شود. قبل از این ایران هویت مستقل نداشت، یعنی حتی پادشاهان غزنوی، سلجوقی و خوارزمشاهیان به هم قدرت خود را به خلیفه عباسی مجوز می‌گرفتند. خبا بعد از آن هم که مغول‌ها بودند و حدود یکصد سال در ایران حکومت نداشتیم تا بالاخره در عهد صفویه ایران جدید با هویت مستقل تشکیل شد. شاه اسماعیل با توجه به اینکه ایران جدید را تشکیل داده بود، مقبولیت اجتماعی خود را تأمین کرده بود اما شاه طهماسب برای اینکه این مقبولیت

فضای مجازی
تعریف کرد:
برای تعریف
کتاب من چه
مشروعیت و
نظام‌سازی
حق‌گماری
است اما قدرت
زمانی دولت
سبک خواهیم
پسال آینده
بسیار کنیم
و بعد برای
حال کتاب
امعه‌شناسی و

اجتماعی برایش حاصل شد، نیاز به
مشروعیت دینی داشت، لذا لازم داشت
از علما یک نامه بخوای تأیید سیاست
خود بگیرد. «مخفق کرکی» حاضر
شد این نامه را بدهد اما توفه‌نامه‌ای
را از شاه طهماسب گرفت. از جمله
مصاد این توفه‌نامه این بود که از دفاتر
خراج، خراج شرعیه‌ها و قمارخانه‌ها و
و بیت‌اللطیف‌ها را دیگر حذف می‌کنیم!
یعنی از این ۲ بخش دیگر مالیات
گرفته نمی‌شود و اینها ممنوع می‌شود.
بیت‌اللطیف یعنی روضه‌های خان، یعنی
روسی‌خانه ثبت دولتی داشته است.
تا حدی به این شرایط عمل می‌شد
اما در حد مطلوب و منظر علمای
نیز، در نهایت، حقه کرکی

قهر از ایران خارج می‌شود و در دوره شاه عباس دوباره همه اینها برقرار می‌شود. شاه عباس مریض می‌شود. طبیب به او می‌گوید شراب برای تو ضرر دارد. او دستور می‌دهد در کل کشور شرابخانه ممنوع شود ولی کوکنار (خشدار) را که تریاک از مشتقات آن است، آزاد می‌دهد. در این فضا که هست که صبح‌ها در نمازگاه‌های کوکنار فرضی صاف ایجاد می‌شد. بعد از یک سال که شاه عباس خوب می‌شود و دیگر شراب ضرر نداشته، کوکنار ممنوع می‌شود و شراب دوباره آزاد می‌شود. این نکته در تاریخ ایران نوشته شده است که در یکی از زمان‌های دوره زندیه تعداد روسپی‌ها در یکی از باغ‌های شیراز ۶ هزار نفر بود.^{۱۲} در تهران بزرگ که امروز ۱۲ میلیون نفر جمعیت دارد چند نفر پیدا می‌شوند که شغلشان روسپی‌گری باشد. ممکن است تعداد فساد یا احیاناً کسانی که فساد جنسی داشته باشند زیاد باشد ولی شغل روسپی‌گری آنقدر زیاد نیست. ۶ هزار نفر که در جمعیت محدود آن دوره چنین شغلی داشته باشند، رقم بالایی است. این است که می‌گویم جویان امروز با فضاها گذشته ایران آشنا نیست و می‌پردازد دوره ماقبل فضای مجازی، دوره‌ای عاری از هر گونه فساد بوده است.

پی نوشت

1 - See, Richard, Rosecrance, *The Rise of the Virtual State: Wealth and Power in the Coming Century*, New York, Basic Books, 2000.

۲ - محمد هاشم آصف، رستم التواریخ، ویرایش محمد مشیری،
صص ۳۳۱-۳۲۹

چه نوع نگاهی به فضای مجاز روی خود می‌بندد؟ برای بررسی پژوهشگر اندیشه و فقه سیاسی حوزه‌های مختلف حوزه مجازی است. سنی اسلامی است، دیوار برویم. می‌دانید الان زبان فارسی چندمین زبان پرکاربرد در اینترنت است؟ در فضای حقیقی تنها ایران، افغانستان و تاجیکستان هستند که به زبان فارسی صحبت می‌کنند. از میان این ۳ کشور هم فقط ایران و افغانستان است که با الفبای فارسی نگارش می‌کنند، چون الفبای تاجیکستان، الفبای روسی است. فکر نمی‌کنم مجموع افرادی که زبان اصلی آنها زبان فارسی است در بهترین شرایط بیشتر از ۲۰۰ میلیون نفر باشند. این در حالی است که زبان فارسی زبان پنجم اینترنت است!

غیر از اینکه ما در داخل خود ایران، به اندازه محتوای فارسی‌ای که تولید می‌کنیم، نزدیک به آن مقدار هم محتوای عربی و انگلیسی تولید می‌کنیم. یعنی مجموع تولید ما به زبان‌های دیگر با تولیدات ما به زبان فارسی برابر می‌کند. در تولید محتوا واقعاً دست برتر را داریم. اتفاقاً این نگاه‌های منفی و سلبی که به فضای مجازی وجود دارد، بیشتر به ضرر ما بوده و خیلی کمتر به نفع ماست.

■ سهم ما در محتوایی که تولید می‌شود از نوع مثبت و متعالیه است؟

عمده آن مثبت است. شما کل محتوایی را که مخازن آن پادگان منافقین در آلبانی تولید می‌کند فقط با شبکه تبیان مقایسه کنید؛ شبکه تبیان به مراتب بیشتر تولید می‌کند. این نکته خیلی مهم است. علاوه بر اینکه تولیدات آلبانی فقط در ایران دیده می‌شود ولی تولیدات مثبت ما در جهان دیده می‌شود. یک نکته را

هم گوییم که یکی از مقامات آمریکا صراحتاً گفته بود برادرتین تهدید برای ما فضای امن است. فضای مجازی آنها بیشتر تهدید است. ما تباری ما به دلیل اینکه ما در فضای مجازی پیامی را ارسال می کنیم که یک آمریکایی هرگز در عمر خود نشنیده است. ارزش های را معرفی می کنیم که هرگز ندیده اند. سال ۵۷ فقط فضای امن نداشتیم، بلکه حتی رادیو و تلویزیون و این جور چیزها را نداشتیم. تلویزیون و این

که داخلی بود و بعد از پیروزی انقلاب تا سال‌ها با ۲ شبکه که روزانه ۵ ساعت برنامه داشتیم، یعنی ۲ تا شبکه مجموعاً ۱۰ ساعت می‌شد. تا سال‌ها که تلویزیون همین بود، و باید هم مگر چقدر داشتیم اما پیام انقلاب اسلامی به بجا رسید؛ و به تمام جایی‌ها ما رسیدیم، چون ما ارزش‌هایی را معرفی کردیم که تا آن زمان در سطح هیچ طرح نشده بود و کسی نشنیده بود. شاید تعجب کنید که این ارزش‌ها را به چه کلمه‌ای نوشتیم؟ به طرف برسانیم؛ با کلمه‌ای مثل «امام خمینی». غربی‌ها تا سال‌ها حتی بعد از رحلت حضرت امام از کلمه «امام» استفاده نمی‌کردند و از کلمه «آیت‌الله» استفاده می‌کردند. در آن زمان یک روزنامه‌های آلمانی در ورشو و برلین بودند که چون اطلاع‌های داده بودند که آنجا چاپ کند، این اطلاعیه‌ها را می‌خواندند. «امام خمینی» به کار رفته بود، این روزنامه حاضر نشد چاپ کند. میزان پولی که به آن روزنامه می‌دادند می‌توانست آن روزنامه را از ورشو بگریزاند و نجات دهد ولی قبول نکرد. وقتی به آنها گفتند چرا قبول نمی‌کنید؟ گفته بودند کلمه «آیت‌الله» را عیون کنید و بای جان آن «آیت‌الله خمینی» بگذارید. خیلی اصرار کرده بودند که چرا شما حساسیت به این کلمه دارید؟ گفته بودند «آیت‌الله» یک چیزی در ردیف اسقف ما است و اگر بخواهید می‌توانیم «ایدر» و نیزیم و با این همه مشکلی نداریم اما کلمه «امام» وقتی به کار می‌روید، مخاطب این می‌خواهد بفهمد معانی آن چیست. برای اینکه این معانی «امام» را بفهمد، باید بفهمد که شیعیه

بسته به تلقی‌ای که از دولت می‌توان ارائه داد، نگاه‌ها به حکمرانی نیز متفاوت است. یکی از حوزه‌های مناقشه‌برانگیز در زمانه کنونی، سوال این است: دولت متعالیه و دولتی که برخاسته از سندها

در بستر شبکه هست. دولت متعالیه مجازی هم در بستر شبکه هست اما در بستر شبکه اهداف متعالیه را پیگیری می کند. یعنی دنبال عزت انسان است تا در برابر فقیر الابل مثل خود او سر نهد. نیلورود. در پی توسعه فعالیتات است تا به کمال مطلوب خود برسد و خود و جامعه را به مرتبه تخلق به اخلاق الهی برساند. این دولت متعالیه مجازی را امروز متأسفانه حتی در اذهان هم نداریم. فقط آرزو است. این چنین دولت را ما احلا هم نمی بینیم. ما می بینیم که یکی از دلته را برای شما می گویم. ریچارد زکرناس که یکی از اندیشمندان سیاسی آمریکاست، کتابی با عنوان «ظهور دولت مجازی» دارد. فکر می کنید نویسنده این کتاب با توجه به تفکرات جدیدی که دارد و نسبت به عصر جدید اندیش می کند، الان چند ساله است؟ و ۹۱ ساله است. تا حالا فکر کردید بشکیم در عصر فضای مجازی. دولت تشکیل دهیم؟

اما درباره عناصر فضای مجازی
عرض کنیم که فضای مجازی از ۴
مؤلفه سخت‌افزار، نرم‌افزار، شبکه
و پروتکل تشکیل می‌شود. پروتکل
نه سخت‌افزار و نه نرم‌افزار است.
پروتکل قبل از کار مهندس آغاز
می‌شود. اندیشمندانی پایه اصل آن را

می‌نویسند، ریاضی‌دان آن را تبدیل به فرمول ریاضی می‌کند، فرمول ریاضی تبدیل به زبان فنی می‌شود و سپس به مهندس می‌گویند بر اساس این موارد به تولید اقدام کن.

تشکیل خواهیم داد که بتوانیم برای ۵۰ سال آینده از حیث پیش بینی کنیم که چه اتفاقی می افتد و بعد برای آن بتوانیم از همین حالا فلسفه سیاسی، جامعه‌شناسی و دولت‌سازی بنویسیم. چیزی که همین الان طلبه جوان ما فکر آن را نمی‌کند.

کتاب مک لوهان برای چند سال پیش است؟ ۷۰-۶۰ سال پیش بوده است. قبل از اینکه اینترنت درست

شود. چه طور جامعه‌شناسی عصر اینترنت را انجام داده‌اند؟ ۳۰ سال پیش از اختراع شبکه جهانی وب تعداد آنها را پیشانی کرده است. اتفاق کی جالبی است؟ فناوری ریسمان دارد که تفسیر خیلی خیلی رایج و در فضای مجازی هم شاید قابل استفاده باشد. می‌گوید فناوری‌های رسانه امتداد انسان هستند، مثلاً رادیو امتداد دهان، گوینده با امتداد گوش، شبکه‌های فلسفی داشته باشم. و ما هم باید چنین نگاه‌های فلسفی داشته باشیم.

■ امروز جمهوری اسلامی در قیاس با سایر کشورها چه سهمی از حکمرانی مجازی دارد؟

از حیث حکمرانی، حکمران اصلی فضای مجازا، چند شرکت امریکایی هستند. چین و روسیه به یک قدرت نسبی در حد و حدود مرزهای خود دارند. کشورهای اروپایی، همچنین ایران تقریباً بهرانی را حکمرانی مجازی ندارند اما برخی لوازم حکمرانی را داریم، یعنی برخی ابزارهایی را که برای حکمرانی لازم است داریم که البته این ابزارها خیلی مهم هستند. برای مثال اروپا به نسبتاً از حیث زیرساخت‌های فنی، سخت‌افزار و شبکه توسعه خوبی دارند اما شاید تعجب کنید که ما از حیث تولید محتوا جلوتر از اروپایی‌ها هستیم، یعنی الان خیلی از دوستان نگران آنند که فضای مجازی کشور ما را آلوده و خراب کرد و باید دیواری دور خود کشیم که فضای مجازی بیرون نیاید، اما خراب شدن این را بداند اگر این دیوار را بکشیم، آنگاه خود ما هم نمی‌توانیم بیرون

■ چه تلقی‌ای می‌توان از «حکمرانی مجازی دولت» و «دولت مجازی» داشت؟

معمولاً در تعریف حکمرانی، مفهوم اقتدار لحاظ شده است اما در حوزه فضای مجازی ما دنبال معنایی از حکمرانی هستیم که در آن اقتدار نباشد. دلیل اینچنینی هست؟ ما الان نمونه‌هایی از حکمرانی در فضای مجازی را می‌بینیم اما اقتدار به معنای سیاسی در اینجا نیست. اگر هم هست خیلی اندک در اعمال شده است. نمونه آن اعمال گوگل است. گوگل اکنون یک حکمرانی را اعمال می‌کند. تقریباً همه نرم‌افزارهایی که ایجاد می‌شوند، با هویتی که شما برای خود در گوگل ثبت کرده‌اید، برای شما ثبت می‌شوند. اگر نخواهید از طریق گوگل ثبت کنید، خیلی کار شما سخت‌تر است و راحت‌تر نیست که شما دستگاه خود را خواه کامپیوتر یا موبایل یا لپتاپ یا موبایل، در گوگل ثبت کنید و سپس برای



رود به هر نرم افزاری که می‌خواهد از شما ثبت هویت بگیرد، در حقیقت هویت گوگل وارد شوید و کار خود را انجام دهد. در مواردی هم اقتدار نشان دادند. نمونه آن حذف تلگرام و طلایی از گوشی‌های ایرانی بود ولی خیلی نادر انجام می‌شود. در واقع ما در عصر فضای مجازی با گونه‌ای از حکمرانی مواجه هستیم که در فضای سیاسی سنتی ماقبل عصر فضای مجازی مطرح نبود. در اینجا منظور من از فضای سیاسی سنتی، دوره ماقبل مدرن نیست، بلکه دوره ماقبل پیدایش رسانه و فضای مجازی است. قدرت در فضای سیاسی سنتی غالباً با مفهوم تحمیل اراده تعریف می‌شد اما با پیدایش رسانه‌ها مفهوم تحمیل اراده ضعیف شد و کم‌کم معنای اساسی اراده‌ها پیش آمد. به طور اساسی هدایت اراده‌ها در عصر فضای مجازی به شکل‌های مختلفی انجام می‌شود. فکر نکنید که هدایت اراده‌ها با توجه به بار معنایی مثبتی کلمه هدایت در بین ما دارد فرایند مادی دارد،

نه! فقط با جابه‌جایی اطلاعات خیلی راحت یک نفر تصمیم غلط می‌گیرد. یعنی من هدایت کردم اما هدایت به ضلالت کردم. حتی دروغ هم نگفتم اما جابه‌جایی اطلاعات انجام دادم؛ اطلاعاتی را پنهان کردم یا حتی اطلاعاتی را که در اول اهمیت مثلاً مرتبه چهارم بود. در اهمیت مرتبه اول آورد. ای ماشاالله در فضای سیاسی موجود این کار دارد انجام می‌شود.

ما در عصر فضای مجازی مجبوریم در کنار مفهوم قدرت، یک مفهوم جدیدی تعریف کنیم. من اصطلاح «قوت» را استفاده می‌کنم. منظور من از قوت، توانایی هدایت اراده‌هاست که همراه با پشتوانه ضمانت اجرایی به همراه جلب امکانات و رفع موانع خواهد بود. این هدایت اراده‌ها با «نفوذ» اشتباه نشود. نفوذ پشتوانه ندارد اما هدایت اراده‌ها پشتوانه اجرایی دارد ولی تحمیل نمی‌کند.

لذا حکمرانی در عصر فضای مجازی را اینگونه می‌توان تعریف کرد: اعمال قوت کافی برای تعریف و ایجاد بدنه‌سازی یک مینا جهت تعریف هویت و مشروعیت و ایجاد یک ردون برای نظام‌سازی بر آن مینا. البته این حکمرانی بدون قوت ممکن نیست اما قدرت ابزاری را هم دارد.

دقت کنیم که ۲ اصطلاح «دولت مجازی» و «دولت» در عصر فضای مجازی؛ داریم، بین دولت مجازی و دولت در عصر فضای مجازی تفکیک قائل شویم. اگر چه بدون در نظر عصر فضای مجازی در بستر شبکه نیست اما دولت در بستر شبکه هم نخواهد بود. دولت فقط